

## از گذشته پند بگیریم، تادیر نشد باهم متحد شویم!

معمولاً می‌گویند تاریخ علم گذشته است. اما احدی نمی‌تواند منکر آن شود که رویدادهای تاریخی امروز سرنوشت نسل آینده را تعیین می‌کند. درست بهمین دلیل حزب توده ایران در تمام مراحل تاریخ معاصر ایران - از بدو تشکیل حزب تا کنون - مسئله تشکیل جبهه متحد نیروها را سرلوحه برنامه خود قرار داده است. اگر چنین جبهه ای مرکب از نیروهای ملی و مترقی و ضدامپریالیستی قبل از کودتای ۲۸ مرداد تشکیل می‌شد، کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد نمیتوانست تحقق یابد و مردم ایران ربع قرن در اسارت و بردگی بسر نمی‌بردند. اگر چنین جبهه ای

بقیه در صفحه ۴

با تشدید و خامت وضع اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور، تعداد سئوالاتی که پیرامون ضرورت تشکیل جبهه متحد به "نامه مردم" می‌رسد، روبه افزایش است. در این نامه ها خوانندگان سئوالات گوناگونی درباره جبهه متحد مطرح می‌سازند. از ما می‌پرسند: چرا حزب توده ایران اصرار در تشکیل جبهه واحد دارد؟ هدف حزب از تشکیل جبهه واحد چیست و کدام نیروها باید در آن شرکت جویند؟ نام جبهه مورد نظر حزب چیست و برنامه آن چگونه باید باشد؟ آیا ضروریست که نیروها قبل از تشکیل جبهه، موارد مورد اختلاف را در ارگان‌های مطبوعاتی مربوطه مورد انتقاد متقابل قرار دهند؟ فرق میان جبهه متحد با دستیابی به عمل مشترک پیرامون این یا آن شعار مورد توافق طرفین چیست؟



دوره هشتم - سال اول - شماره ۳۴  
پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۶۳  
بهاء ۲۰ ریال

### فراخوان برای همبستگی پیگیر بازحمتکشان و خلق ایران

اطلاعیه مشترک فدراسیون سندیکائی جهانی و  
کمیسیون ارتباط سندیکائی ایران

طی نشست مشترک دبیرخانه فدراسیون سندیکائی جهانی و هیئت نمایندگی کمیسیون ارتباط سندیکائی ایران در پراگ مسائل زیر مورد مذاکره طرفین قرار گرفت:

وضع فوق العاده ناگوار سندیکائی ایران، فشار و شکنجه رژیم علیه نیروهای دمکراتیک، مبارزه زحمتکشان در شرایط دشوار کنونی و جنگ ایران و عراق.

هیئت نمایندگی ایران با ابراهیم زکریا، دبیرکل فدراسیون سندیکائی جهانی و همچنین با شعبات مختلف فدراسیون درباره گسترش فعالیت های سندیکائی جهانی و تشدید فعالیت های همبستگی به منظور دفاع از زحمتکشان و خلق ایران مذاکراتی انجام دادند.

دبیرخانه فدراسیون سندیکائی جهانی و کمیسیون ارتباط سندیکائی بار دیگر بر مضمون پیام شورای عمومی فدراسیون سندیکائی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق تاکید کردند و یادآور شدند که این جنگ فقط به نفع امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی است.

در این نشست، از جمله این نتیجه گرفته شد که محافل حاکمه کنونی ایران به بهانه جنگ، دست به تعرض بیسابقه ای علیه حقوق زحمتکشان زده و بخش مهمی از میهن پرستان مدافع حقوق دمکراتیک را بازداشت کرده اند. بالغ بر یکصد هزار نفر زندانی سیاسی در شرایط سختی بسر می برند و عده زیادی از آنها بی آنکه بتوانند از خود دفاع کنند به اعدام محکوم شده اند. در جمهوری اسلامی ایران دستاوردهای حاصله از سالها پیکار دشوار زحمتکشان زیر پا گذاشته شده است. تجاوز به حقوق بشر کار روزمره رژیم کنونی است. حقوق زنان بصورت وقیحانه ای زیر پا گذاشته شده و آزادی

بقیه در صفحه ۷

### "اختلاف دیدگاهها" بازتاب مبارزه طبقاتی است

ایران برای شناخت ماهیت واقعی سران جمهوری اسلامی نیاز به تجربه داشتند، فقط گذشت زمان یعنی تجربه روزمره بود که میتوانست فرق میان گفتار و کردار آنها را بر ملا سازد. چنین روزی اکنون فرارسیده است.

زحمتکشان خواهان رهایی از قید جور و ستم کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بودند و همین خواست ها موجب شد که بطور وسیع در انقلاب شرکت کنند. حاکمیت جدید در آغاز چنین وعده ای را به آنها داد. به این سخنان آقای خمینی توجه کنید: "وضع در ایران بصورتی بوده است که حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ برده اند و امروز هم دارند می برند. بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند. ماهه آنان را به پای میز محاکمه می کشیم، مایملک و سرمایه آنان را مورد بررسی قرار می دهیم و حقوق همه مردم محروم که عمری است مالکین بزرگ و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود" (مطبوعات ۱۶ آبان ۱۳۵۷)

و یا: "این حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن

بقیه در صفحه ۲

آقای خامنه ای در جمع استانداران سراسر کشور با اشاره به اینکه انقلاب در سال ششم پیروزی خود با مشکلات و دردهایی مبتلا است که شناخت آنها بسیار مهم است، افزود: "یکی از مشکلات اختلاف دیدگاه ها پیرامون مسائل اقتصادی است". تا اینجا میتوان پارسیس جمهور موافقت کرد. ولی وقتی او می گوید: "آنچه موجب بروز این دیدگاه هاست نه مسائل واقعی اقتصادی بلکه هوای نفسانی، قدرت طلبی ها، ضعف های درونی، احساس حقارت ها، خودخواهی ها، تنگ نظری ها و عدم تفاهم هاست" پیداست که آشکارا سفسطه می کند و دروغ می گوید (اطلاعات، ۲۲ آذر ۶۲).

در اینکه هوای نفسانی، قدرت طلبی، ضعف های درونی، احساس حقارت، خودخواهی و تنگ نظری از صفات مشخصه حاکم ارتجاعی کنونی است، جای کوچکترین تردیدی نیست. اگر در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب، روحانیون حاکم با چنانداری از آماجهای مردمی انقلاب و طرح شعارهای مترقی توانستند حمایت توده های میلیونی مردم را جلب کنند، امروز با اعمال و کردار ضد مردمی خود، نقاب از چهره خویش برمیدارند مردم

### دور فیک فدائی زیر شکنجه شهید شدند

قهرمانان رفقا همه تلاشهای دژخیمان را با شکست مواجه کرد. آنان سر بلند ایستادند و تسلیم نشدند. دژخیمان وحشیانه به انتقام روی آوردند و رفقا میثمی و منصور یورچ را زیر وحشیانه ترین شکنجه ها به شهادت رساندند و از بیم شما مردم زحمتکش حتی از درج خبر این جنایت فجیع در مطبوعات نیز جلوگیری کردند."

حزب توده ایران جنایت های سردمداران ج.ا. را در سیاهچالها شدیداً محکوم می کند و بار دیگر ضرورت مبارزه پیگیر و متحد همه نیروهای انقلابی را برای آزادی بلا شرط همه زندانیان سیاسی و جلوگیری از کشتار بهترین فرزندان خلق گوشزد می کند

دژخیمان ددمنش جمهوری اسلامی دوتن از فرزندان رشید خلق، رفقای فدایی مرتضی میثمی و منصور یورچ از کادرهای برجسته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را زیر شکنجه به قتل رساندند. رفیق منصور یورچ عضو کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خوزستان بود و رفیق میثمی دبیر کمیته ناحیه ای سازمان در شرق تهران.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی اطلاعیه ای خطاب به مردم ایران می نویسد: "ما موران رژیم با کار بستن انواع شکنجه های جسمی و روانی تلاش کردند تا رفقا را از پای در آورند و بشکنند و تسلیم مقاصد شوم خود کنند. اما مقاومت

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## "اختلاف دیدگاهها" بازتاب مبارزه طبقاتی است

بقیه از صفحه ۱

نویسنده سپس می افزاید: "تورم و گرانی و آشفتنگی توزیع از یکسو و در همان حال بازبودن دست قدرتمندان اقتصادی یعنی پولداران برای جلب و جذب هر مقدار از سوددور و تسلسل پول زایی پول، از سوی دیگر، رویهم رفته فضای حرص و ولع را بر جامعه حاکم می کند."

این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه را "اطلاعات" چنین تشریح میکند: "پارنقلاب و جنگ پیشتر بر دوش مستضعفین و محرومین است. حتی میتوان گفت: به اعتباری بی درآمدها و صاحبان درآمدهای ثابت بیشتر از دیگران "تحت فشار" همین ها هستند که به نوشته "اطلاعات" زیر فشار خرد میشوند، در حالیکه برای بعضی ها پول، پول می زاید و سرمایه سرمایه می آورد (اطلاعات ۱۵ آذر ۶۲).

نویسنده "اطلاعات" از توده های زحمتکش دفاع نمی کند. او زنگ خطر را برای رژیم که هوادار آنست صدا در می آورد. در عین حال آنچه "اطلاعات" مطرح میکند بازتاب مبارزه حادی است که در جامعه ما جریان دارد، در حالیکه رئیس جمهور می کوشد تا این مبارزه را با کلماتی چون هوای نفس و قدرت طلبی و تنگ نظری توجیه کند.

وقتی حزب توده ایران مبارزه طبقاتی را در جامعه مطرح می ساخت چه اتهاماتی که به ما نزدند. گفتند حزب ما نظرات باصطلاح به عاریت گرفته شده از خارج را در جامعه ایران پیاده می کند. ما را متهم به بیگانه پرستی کردند. به ما اتهام "پراندازی" و "جاسوسی" زدند و بالاخره نیز نقشه سرکوب حزب را تا آنجا که توانستند عملی کردند.

از آنجاییکه سران ج.ا.، حزب توده ایران را حامل عمده اندیشه مبارزه طبقاتی میدانستند، بر این تصور واهی بودند، که گویا با غیر قانونی کردن حزب ما می توانند "همزیستی طبقاتی" را اینبار با پوشش "اسلامی" به توده های محروم تحمیل کنند. ولی آنچه حزب ما گفته و می گوید برخاسته از ماهیت نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جامعه

داشته باشد، مشکل زمین باید حل شود و ... همه محرومان باید خانه داشته باشند، هیچکس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد... (جمهوری اسلامی ۲۸ بهمن ۵۹).

پراساس خواست توده های زحمتکش بود که اصل ۴۴ قانون اساسی مبتنی بر الویت بخش های دولتی و تعاونی و تحدید بخش خصوصی تصویب رسید. بر این پایه بود که اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و برخی دیگر از مواد مربوط به ایجاد پراپری و جلوگیری از تکثیر سرمایه در قانون اساسی گنجانده شد.

بنابر این، برخلاف ادعای خامنه ای، اختلاف دیدگاه ها پیرامون نظام اقتصادی زائیده خودخواهی ها و عدم تفاهم میان حکام ج.ا. نبوده و نیست، بلکه محصول قانونمند مبارزه طبقاتی در عرصه اجتماعی با انگیزه های گوناگون بوده و هست.

با عدول روحانیون حاکم از وعده های خود این مبارزه نیز شدت و حدت بیشتری یافت. نفرت از مبارزه طبقاتی، آرزوی از پیش بردن کارها، بدون توسل به این مبارزه و تمایل به کنمان واقعیات زیر پوشش موازین شرعی و اسلامی و غیره عمده خیانت رژیم به مصالح زحمتکشان است.

حزب توده ایران از فردای پیروزی انقلاب نوشت، که سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و بدست گرفتن حاکمیت، فقط بخشی از وظیفه انقلاب، آنهم نه بخش مهم آن است. وظیفه پس مهمتر، نوسازی جامعه پسودتوده های محروم است.

ما با در نظر گرفتن روحیه توده های میلیونی زحمتکشان که هنوز به وعده های روحانیون حاکم و در رأس آنها آقای خمینی پاور داشتند، با صبر و حوصله برنامه های علمی و عملی خود را با توجه به ویژگی های جامعه و بر مبنای احقاق حقوق پایمال شده زحمتکشان و رشد و ترقی کشور، در کلیه عرصه ها پدرون توده ها بردیم و آنجا که شعارهای سران ج.ا. با برنامه های ما مطابقت داشت از آنها دفاع کردیم و بدینسان توانستیم آنها را به نیروی مادی عظیمی در جامعه تبدیل کنیم. بذری که دیروز حزب ما و دیگر سازمان های مترقی در جامعه افشاندند، امروز غنی ترین محصول را بهار آورده است. مبارزه بر سر نظام اقتصادی در سطح جامعه یکی از مهمترین ثمرات فداکاری اعضای حزب توده ایران است.

نویسنده مقالات اساسی در بخش "سخن روز" اطلاعات ضمن تحلیل سیر و جهت حرکت ج.ا. اعتراف می کند: "سرمایه های سرگردان غوغا می کنند، نقدینه داران کولاک می کنند و قشر مرفه "پخر و پهروش" فضا را کم به فضای حرص و آز و تجمل پرستی تغییر شکل می دهند. یعنی حرص و آزی که سرمایه داران و قدرتمندان اقتصادی با عملکرد خود بدان دامن زده اند، تأثیرات مخرب خودش را هرچای می گذارد... بفکر مال و منال بودن، حرص زدن، بطرف معاملات و مبادلات روزمره و سود آوردن در بخش خصوصی جذب شدن و... غوغا می کند."

### شادباش

### کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

### به کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت چهل و سومین سالگرد پایه گذاری حزبتان و با توجه به سن قهرمانانه پیکار کمونیست های ایران در دودهای برادرانه ما را بپذیرید.

در این لحظات دشوار و حساس مبارزه تان با دیگر همبستگی خود را با حزب توده ایران ابراز می داریم. با گرم ترین درودها

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

بوده و هست. اشکال عمده اقتصاد جامعه ایران همانهایی است که در هر کشور مشابه وجود دارد: سرمایه داری، تولید خرده کالایی، نیروهای اساسی آنها نیز عبارتند از، کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان، بورژوازی متوسط، خرده بورژوازی (بویژه دهقانان) و کارگران. ادعای استقرار "برابری اسلامی" میان این طبقات و اقشار جامعه و همزیستی مسالمت آمیز گرگ و میش آب در هاون کوبیدن است. سرمایه، برای اقلیت حاکم سرمایه می زاید و برای اکثریت مطلق فقر و مسکنت و بدبختی ببار می آورد. حاصل این روند نیز جز تشدید مبارزه نمی تواند باشد.

چنین است واقعیت عینی جامعه ما. مبارزه ای سخت در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در جریان است. این پیکار میان دو جریان ارتجاعی و مترقی ادامه دارد. پشت سر هر یک از این دو جریان نیروهای بالقوه با انگیزه های گوناگون وجود دارد. آنها را باید دید و دقیقاً تشخیص داد. حمایت از خواست های نیروهای هوادار ترقی و پیشرفت و عدالت اجتماعی و مبارزه با نیروهای ارتجاعی و واپسگرا و براس آنها سران رژیم - چنین است محتوی راهی که باید در پیش گرفت. درست است که سازمان های سیاسی ملی و مترقی در این راه پیکار می کنند. اما، این نیز روشن است، که در جامعه ما بسیاری از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند که جداگانه به پیکار ادامه می دهند. در میان این نیروها کم نیستند مسلمانان مبارزی که از حاکمیت ج.ا. رویگردان شده اند و در راه مبارزه با امپریالیسم، تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی، متحدان بالقوه دیگر نیروهای انقلابی هستند. به این نیروی با خواست های مترقی و انقلابی، که هم اکنون در شرایط ترور و اختناق درو شدادش دیگر نیروها مبارزه می کنند نمی توان و نباید کم بهاداد.

سران ج.ا. با خیانت به آماجهای مردمی انقلاب عملاً نشان داده اند که قادر به ایجاد تحول بنیادی در جامعه نیستند. اکثریت قاطع حدود دو میلیون تن از کارکنان موسسات و نهادها و بنیادها و انواع هیئت های موجود که به ماهیت ارتجاعی رژیم پی برده اند، به نیروی بالقوه ضد رژیم تبدیل شده اند. در میان آنها که بطور عمده به طبقات و اقشار زحمتکش منسوبند بسیاریند افرادی که هنوز در صفوف سازمان های اصیل انقلابی متشکل نیستند ولی در چارچوب نهادها و بنیادها و موسسات گوناگون پیرامون آثانی که حاکمیت را قبضه کرده اند متمركزند و به پیکار ادامه می دهند. رژیم که این خطر بزرگ را حس کرده با توسل به انواع ترفندها در صدد خنثی کردن مبارزه آنها است. در عین حال جریان هایی که از موضع ارتجاعی پارژیم مخالفت می ورزند با طرح شعارهای عوامفریبانه سعی در جلب توجه آنها دارند. وظیفه نیروهای اصیل انقلابی است که با حمایت از خواست های مترقی این نیروی عظیم، شرایط جذب آن را به جبهه متحد فراهم سازند. ●

## به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

## همبستگی جهانی با کارگران اعتصابی مجتمع ذوب آهن اصفهان

اعتصاب یکپارچه و گسترده کارگران قهرمان مجتمع صنعتی ذوب آهن اصفهان علیرغم تلاش رژیم بر مسکوت گذاشتن آن در محافل کارگری جهان بازتاب وسیعی یافت و موج حمایت و همبستگی آنان را برانگیخت. سندیکای کارگری جوب و مصنوعات و سندیکای فلزکاران آلمان فدرال، اتحادیه معدنچیان بریتانیا و کنفدراسیون فرانسوی کار(ث. ژ. ت) هریک با صدور قطعنامه ای ضمن محکوم کردن رژیم پشیمانی خود را از کارگران اعتصابی ذوب آهن اعلام کردند که ذیلاً به درج برخی از آنها اقدام می کنیم.

متن بیانیه پیر ژانوس، دبیر کنفدراسیون کار فرانسه (ث. ژ. ت)  
اعتصاب پیش ازده هزار کارگر ذوب آهن اصفهان، بیانگر طرد سیاست های خمینی از سوی کارگران ایران است سیاست هایی که در همه عرصه ها شرایط کار و زندگی مردم ستم دیده رادشوارمی کنند. اعضا و سازمان های کنفدراسیون کار فرانسه (ث. ژ. ت) که مدافعان راستین حقوق بشر و آزادی های سندیکایی و دمکراتیک هستند، رژیم را که تنها از راه کاربست شدیدترین نوع سرکوب علیه پیکارگران راه آزادی و دمکراسی به زندگی خود ادامه می دهد محکوم می کنند. زحمتکشان ایران مطمئن باشند که "ث. ژ. ت" با آنان احساس همبستگی کامل کرده و مبارزه خویش را به منظور پایان دادن به سرکوب، اختناق و شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی که یگانه چرمشان پایبندی به مرام و آرمان دیگری است و دادگاه های فرمایشی قادر به کتمان نقض دائم حقوق بشر در حق آنها نیست، ادامه خواهد داد.  
مونتروی-۱۲ دسامبر ۸۴

متن نامه سندیکای فلزکاران آلمان فدرال به سفیر ج. ا. درین.  
"جناب آقای سفیر!  
با نگرانی عمیق اطلاع حاصل کردیم که رژیم ج. ا. ده هزار کارگر ذوب آهن دولتی اصفهان را - که در راه احقاق حقوق سندیکایی و دمکراتیک خود پیکار می کنند و خواهان حقوق اجتماعی، رعایت حقوق بشر و بهبود شرایط زیست و محیط کار خویش هستند - توسط قوای نظامی شدت سرکوب می کند.  
ضمناً مطلع شدیم که رژیم ج. ا. با ایوبیسیون و نیروهای دمکراتیک کشور به طرز وحشیانه ای برخورد می کند. ما شدیداً علیه اعمال ضد بشری و ضد کارگری حاکمیت اعتراض کرده و همبستگی خود را با کارگران ذوب آهن اعلام می کنیم.  
ما خواستار آزادی بی درنگ کارگران ذوب آهن اصفهان هستیم.  
همبستگی با اعتصاب ده هزار نفری کارگران ذوب آهن!  
امضاء: کارل هاینس فولکر

## "کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران" در هندوستان خواستار آزادی زندانیان سیاسی شد

"کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران" در هندوستان خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شد.

اخیراً در دهلی نو، پایتخت هندوستان، "کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران" برپا گردید. در هیئت رئیسه این کمیته چودری پراهام پرکاش، وزیر کل پیشین کشاورزی هندوستان و مسئولین بلند پایه احزاب کنگره (ایندیرا)، کنگره (اس)، کنگره (ج)، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) و جان وادی شرکت دارند. کمیته طی همایشی تصمیم گرفت با دعوت از نمایندگان اتحادیه های کارگری، وکلاء، آموزگاران، پزشکان، زنان و دیگر سازمان های توده ای، دامنه فعالیت خود را گسترش دهد. هیئت رئیسه کمیته همچنین با صدور قطعنامه ای که به اتفاق آراء از تصویب گذشت، خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شد. در قطعنامه می خوانیم:

"رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی ایران کلیه حقوق سیاسی، قضایی و زیستی زندانیان سیاسی را بی شرمانه پایمال کرده و به تبهکاری های فاجعه بار پرشماری علیه زندانیان سیاسی دست زده است که روشهای ساواک در رژیم منور شاه را پیاد می آورد. در چنین شرایطی در خواست حقوق انسانی و طبیعی زندانیان سیاسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از اینرو، ما همه نیروهای آگاه و مبارزان را به پیکار متحد و گسترش دامنه آن علیه سیاست های سرکوبگرانه حاکم بر ایران و پیشبرد وظایف شریف و انقلابی زیر فرامی خوانیم:  
در زمینه حقوق سیاسی و قضایی زندانیان سیاسی و درخواست های ما:

- ۱- احکام اعدام زندانیان سیاسی باید لغو گردد
- ۲- به همه اشکال شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان سیاسی باید پایان داده شود
- ۳- بیکرد و دستگیری مبارزان باید پایان یابد
- ۴- ارگان های تعقیب و سرکوب میهن پرستان منحل گردد
- ۵- هرگونه اجبار زندانیان به رد عقاید خود باید فوراً خاتمه یابد
- ۶- عنوان "زندانیان سیاسی" برای میهن پرستان در پند باید به رسمیت شناخته شود
- ۷- مشخصات و نوع اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد
- ۸- زندانیانی که دوران محکومیتشان پایان یافته، باید آزاد گردند، بقیه در صفحه

### Keine Chance den Justizverbrechern!

In Iran beginnen die Schauprozesse gegen die Führungsmittglieder der Tudeh Partei Irans. Eine Verhandlung gegen die Führungsmittglieder, Kader und anderen Mitglieder und Sympathisanten der TPI kann nur dann akzeptiert werden, wenn:

- 1) EINE GRUPPE AUS NEUTRALEN AUSLÄNDISCHEN ANZTEN UND FACILITEN DEN PHYSISCHEN UND PSYCHISCHEN ZUSTAND DER GEFANGENEN UNTERSUCHT UND IHRE VERHANDLUNGSFÄHIGKEIT BESCHENIGT.
- 2) AKTEN DER GEFANGENEN UND DIE ANGEWANDTEN METHODEN UM "GESTÄNKNISS" ZU ERKESSEN UND UNTER ANDEREM DIE ART UND WEISE DER PERSONLICHEN OBERGABE DER TODESURTEILE AN DIE EINZELNEN FÜHRUNGS MITGLIEDER UNTERSUCHT.
- 3) DEN GEFANGENEN, DIE ZUM ZWEITEN MAL NACH DER FÖHLEHEN ÖFFENTLICHEN PROZESS ERSCHEINEN MÖSSEN, DIE ERLAUBNIS erteilt WIRD, SICHEN VERTEIDIGER AUS DEM INLAND ODER AUSLAND ZU WÄHLEN.

Es besteht kein Zweifel, daß wenn die Verantwortlichen der juristischen Organe von den ungenügenden Beschuldigungen, die sie gegenüber den Mitgliedern der TPI vorbringen überzeugt sind, sich der Annahme dieser auflost gerechten Bedingungen nicht widersetzen dürfen. Die Nichtannahme dieser Bedingungen wird ein klarer Beweis für die Ungültigkeit dieses Sensations mit dem Namen "Gerichtsverhandlung" sein.

Tudeh Partei Irans (Sek. BRD)

Ich verurteile die Schauprozesse gegen Führungsmittglieder der Tudeh-Partei Irans, und unterstütze die Forderungen für einen gerechten Prozess.

Name.. Leonora Decker

Adresse.. Mainz, Str. ...

Unterschrift..

An die Botschaft  
Islamischen Repu  
Godesberger Aller  
D-5300 Bonn 2

هزاران نفر از شهروندان آلمان فدرال با ارسال این کارت به سفارت ج. ا. درین علیه دادگاه فرمایشی کادرهای حزب توده ایران اعتراض کرده اند

پیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

یک وظیفه انقلابی است!

## از گذشته پند بگیریم، تا دیرنشدا با هم متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با برنامه مشخص و مورد توافق نیروهای عمده محرکه انقلاب، بوجود می آمد انقلاب در مرحله سیاسی متوقف نمی ماند و سرانجام نمی توانستند به آماجهای مردمی آن خیانت کنند.

ولی چنانکه می دانیم در هیچیک از مراحل فوق الذکر، علیرغم فراخوان و تلاش پیکیر حزب توده ایران، تشکیل جبهه واحد امکان پذیر نشد. تشکیل جبهه واحد از نیروهای ملی و مترقی هسته مرکزی برنامه حزب توده ایران، مصوب ۱۳۵۴ را تشکیل می داد. هم قبل و هم بعد از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ حزب ما بارها ضرورت جبهه واحد را اعلام کرد اما همه فراخوان های حزب توده ایران بی پاسخ ماند و انقلاب مردم ما با شکست روبرو گردید. اکنون همه این رویدادها جزو تاریخ محسوب می شود، رویدادهایی که در صورت تشکیل جبهه واحد می توانست نتایج سرنوشت سازی به نفع و محتمکشان برای آینده جامعه ما داشته باشد. اگر امروز نیز نتوانیم از گذشته پند بگیریم، بی هیچ تردیدی آینده تاریکی را برای جامعه تدارک خواهیم دید. زیرا تاریخ فردا را امروز باید پایه گذارد.

جامعه ما از لحاظ اجتماعی - اقتصادی در زمره جوامع عقب مانده است. این بدان معناست که مناسبات رشد یافته تولید سرمایه داری همراه با نظام های ماقبل سرمایه داری در کشور ما وجود دارد. این مناسبات پهنه خود در شکل گیری و تکامل ساختار طبقاتی جامعه تأثیر دارد.

هیچ حزب سیاسی جدی نمی تواند در تعیین خط مشی خود، این ویژگی جامعه را در نظر نگیرد. پادر نظر گرفتن این واقعیت انکارناپذیر بود که حزب توده ایران مرحله کنونی انقلاب را مرحله ملی و دمکراتیک تعیین کرد که وظیفه آن حل مسائل دمکراتیک عام مورد نظر طبقات و گروه های اجتماعی مختلف با انگیزه های گوناگون است.

تنوع ساختار طبقاتی جامعه ناشی از عقب ماندگی اجتماعی - سیاسی عینی، اولاً، موجب تنوع نیروهای سیاسی گردیده، ثانیاً، مانع آنست که یک حزب یا سازمان سیاسی به تنهایی بتواند قدرت لازم برای تجهیز توده های میلیونی را کسب کند.

ضرورت تشکیل جبهه واحد نیز زائیده این شرایط عینی جامعه ما است.

اگر هدف از عبارت از مبارزه با امپریالیسم و نواستعمار، در راه رهایی اقتصادی از سلطه امپریالیسم و برای کسب آزادی و استقلال واقعی سیاسی است، در اینصورت جبهه متحد باید دارای خصیلت انقلابی و دمکراتیک بوده و متناسب با آن منعکس کننده منافع طبقات و اقشار وسیع خلق باشد، نه منافع یک طبقه یا گروه اجتماعی خاص.

بنابراین جبهه واحد با ذاتاً یک ضرورت عینی است، که از روند رویدادها در کشور نشئت می گیرد و بیانگر منافع طبقات و گروه های اجتماعی گوناگون است. چنین جبهه ای حربه پرنده ای در

مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه پیشرفت ملی و اجتماعی خواهد بود.

جبهه میتواند و باید نیروهای سیاسی متنوع از نمایندگان طبقه کارگر، و محتمکشان روستا، خرده بورژوازی شهری و لایه هایی از بورژوازی متوسط را که به دلیل موقعیت طبقاتی علیه امپریالیسم و در راه پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند، فرا گیرد. حزب ما نیروهای انقلابی دمکراتیک را متحدین سیاسی عمده پیروان سوسیالیسم علمی می داند و برای آن اهمیت خاص قائل است.

حزب توده ایران، تشکیل "جبهه متحد خلق" را پیشنهاد کرده و پلنوم کمیته مرکزی برنامه جامع آنرا ارائه داشته است. کارگران و دهقانان و محتمکس هسته مرکزی این جبهه را تشکیل می دهند. اما این بدان معنی نیست که ما قبول نام جبهه و کلیه مواد برنامه پیشنهادی خود را شرط تشکیل جبهه قرار داده ایم. چنین تصویری از پیشنهاد حزب توده ایران و یا هر سازمان سیاسی دیگر نه تنها ناصحیح، بل ناقض اصل تشکیل جبهه واحدی است که موافقت شرکت کنندگان در مورد نام و برنامه مشترک شرط اصلی بشمار می رود.

ناگفته پیداست که ما پشتیبان و مبلغ اتحاد بلا شرط هم نیستیم. ما از اتحاد نیروهای ضد امپریالیست، میهن دوست و مترقی که نماینده منافع خلق باشند، دفاع می کنیم.

حزب توده ایران به این نکته توجه دارد که در شرایط مشخص کنونی کشور ما همه افراد و گروه های مخالف رژیم نیز جهت سیاسی واحدی را دنبال نمی کنند و برخی از آنان از مواضع اجتماعی و ارتجاعی و واپس مانده با رژیم مخالفت می ورزند. روشن است که مبارزه طبقه کارگر با رژیم از موضع مترقی و به منظور ایجاد یک جامعه مترقی، مستقل و دمکراتیک است. حزب توده ایران بین مبارزه خود با مبارزه آن گروه هایی که از مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی با رژیم مخالفت می ورزند، مرز مشخص می کشد.

حزب ما خواهان ایجاد جبهه واحد دراز مدت با برنامه جامع است. ولی میتوان درباره اتحاد کوتاه مدت، در راه دستیابی به اهداف ویژه ای هم مذاکره کرد.

از آنچه که گفته شد میتوان نتیجه گرفت که پیش شرط اجتماعی - سیاسی عینی برای پیدایش جبهه واحد، عبارت است از علاقه همه طبقات عمده به اجرای وظایف ملی و دمکراتیک از سویی و عدم توانایی هر یک از احزاب و سازمان های سیاسی، به تنهایی، برای تحلق این وظایف و هدایت روند اجتماعی، مورد نظر برنامه مشترک از سوی دیگر.

ما معتقدیم و تجربیات تلخ گذشته و از جمله گذشته نه چندان دورها را بظهور رسانده که هیچیک از نیروهای ملی و مترقی و انقلابی بنهایی قادر نیستند با جبهه متحد ارتجاع و عمال امپریالیسم و ضد انقلاب، مقابله کنند. چنین تصویری توهمی بیش نیست. اگر بخواهیم به هر علتی، این اصل آزموده شده را بار دیگر به آزمایش بگذاریم، بازم با شکست مواجه خواهیم شد. در

شرایط کنونی کشور ما، یگانه آلتونائیوی از اتحاد همه احزاب و سازمانهای سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی در جبهه میتواند وجود بیاید. فقط جبهه ای که بتواند به مرکز اتحاد جنبش توده ای تبدیل گردد، قادر است بر نفوذ و توان جنبش - با عملکردی چندین برابر بیشتر از عملکرد هر کدام از نیروها بطور منفرد - بپویاید و بدینسان به آلتونائیوی واقعی در جامعه مبدل شود. علت اصرار حزب توده ایران در تشکیل جبهه واحد را هم باید در بطن این واقعیت بینکاو کرد.

در حال حاضر دو وظیفه عمده در برابر نیروهای انقلابی قرار دارد: پیکار با رژیم حاکم و خنثی ساختن توطئه های دیگر نیروهای ضد خلقی در چارچوب اپوزیسیون. کم بها دادن به این دو نیرو اشتباهی نابخشودنی است. رژیم، علیرغم اختلافات درونی هنوز بر ارگانهای سرکوبگر نظارت دارد و با تشدید ترور و اختناق به حاکمیت خود ادامه می دهد. دیگر جریان های ضد خلقی هم با وجود اختلافات فاحش میان جناح های مختلف، در راه تجمع نیروها گام بر می دارند. نباید فراموش کرد که میان حکام ارتجاعی و اپوزیسیون ضد خلقی اشتراک منافع زیادی وجود دارد. دعوت از کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان فراری به بازگشت، و گذاری مجدد کارخانه ها و زمین ها و مستغلات مصادره شده به آنها همراه با احیاء نظام سرمایه داری وابسته و نوسازی مواضع امپریالیسم فقط گوشه ای از مظاهر این اشتراک منافع است.

نیروهای انقلابی هم به نوبه خود دارای نظرات و منافع مشترک هستند. ولی متاسفانه دشمنان خلق و عمال امپریالیسم با دامن زدن به آتش نفاق بین آنان تاکنون موفق شده اند از تشکل آنها جلوگیری کنند. بنظر ما وقت آن رسیده تا تشکیل جبهه واحد مرکب از همه نیروهای انقلابی بدون استثناء از مرحله حرف (که همه می زنند) وارد مرحله عمل گردد. باید کوشید تا دیر نشده، جبهه واحد متکی بر توافق واقع بینانه و مفید را سازمان داد. زیرا تجهیز نیروهای وسیع خلق و متقاعد ساختن آنها برای مبارزه در صف نیروهای انقلابی، فقط و فقط در چارچوب جبهه متحد امکان پذیر است. راه دیگری وجود ندارد. واضح است که در این شرایط، نفی لزوم اتحاد با هر گروه، حزب یا سازمان سیاسی مترقی و انقلابی به استناد هر نظر یا دلیل مرامی و عقیدتی، سیاسی و یا هر توجیه تهره جویانه ناشی از ذهنی کرابی به منزله آب در آسیاب دشمنان خلق ریختن است.

حزب ما بارها خاطر نشان ساخته، بدون سازمان دادن مبارزه توده ها، هیچ عمل انقلابی نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد. اقدامات سازمان نیافته در مقیاس جامعه هر قدر هم نیت مبتکران آن پاک باشد، در شرایط بفرنج کشور ما نمی تواند قرین موفقیت باشد. بدیگر سخن، بدون تشکل جبهه واحد، بدون وجود برنامه مشترک و تعیین طرق دستیابی به آن نمیتوان به هدف مشترک دست یافت. برای این کار، قبل از هر چیز یکا تکی رهبری مبارزه از طریق تشکیل یک ستاد واحد ضرورت عاجل دارد. و اما برنامه مشترک، آن قالب واحدی

## چاره اندیشی های ضرور سازمانی برای مقابله با دشمن

شاخه ها و هسته های حزبی لزوماً بایستی بشکلی سازماندهی گردند، و بر مناسبات بین اعضای درون هسته آنچنان اصول و انضباط و قراردادی های مشترکی، در همه مراحل و حوزه های فعالیت حزبی و زندگی غیر حزبی حاکم باشد که مجموعه آنها در "وضعیت فوق العاده" بخودی خود و مستقل از خواست و احساسات اعضاء بعنوان یک دستگاه خودکار برای سد کردن پیشروی دشمن بکار افتد. بدین معنا که اگر در اثر ضربه پلیس موجودیت هسته حزبی در خطر چلی قرار گرفت یا بدیگر سخن اگر بدترین شرایط، یعنی شرایطی پیش آمد که مسئولین در برابر ابعاد پیش بینی نشده ضربه دشمن توانایی برخورد و بررسی خونسردانه را از دست داده باشند، خودبخود عمل کنند. بر این بنیان در کارمخفی باید تصمیمات معینی از قبیل و در محیط آرام با ارزیابی دقیق امکانات برای رویارویی با پیشامدهای احتمالی گرفته شود و وسائل اجرای آنها از هر نظر فراهم آید تا بیدرتنگ در هنگام وقوع خطر بموقع اجرا گذارده شود. بقول نظامی:

کس از پیش بینی نبیند گزند

روشن است هیچیک از چاره گری های پیش بینی و تمرین شده سرانجام جای ابتکار و جای استعداد نوآوری، تحرک فکری و سرعت انتقال، خونسردی و قاطعیت در تصمیم و عمل مسئولین امر را نمی گیرد و قاعدتاً ناپیوستگی بگریز، در همه حال باید آماده تصمیم گیری های جدید بود و برای مبارزه با پلیس و حفظ و نگهداری شاخه و هسته حزبی با توجه به ابعاد واقعی خطر و مقتضیات لحظه تصمیمات ضرور را اتخاذ کرد. زیرا از قبیل نمیتوان پیامبران آینده نگری و پیش بینی کرد که دقیقاً کدام گوشه کار و به چه شکلی زیر ضربه می رود.

بر اهمیت ترین دستگاه خودکاری که در محدود کردن ضربه دشمن مؤثر است و تلاش وی را در عمیق تر کردن ضربه بی اثر می سازد اینست که ساختار درونی سازمانی شاخه یا هسته حزبی و روابط بین اعضاء آن شکل مناسبی داشته باشد. اگر اصل عدم تمرکز مطلق سازمانی دقیقاً رعایت شود یعنی هسته های کوچک سه تا پنج نفری با ارتباطهای زنجیری با یکدیگر پیوند یابند و در گزینش مرزوم دقت و هشجاری ضرور بکار رفته باشد و اصول پنهان کاری را نیز با ریزه بینی بکار بندند، بطور خودکار ضربه پلیس در حلقه اول یا دوم در هم می شکنند. در اینصورت دیگر رفقای عضو شاخه و هسته چنان سالم از جنگ پلیس بدر می برند. شایان تاکید است که پیوند زنجیری اعضاء شاخه و هسته حزبی تنها آن هنگام مطمئن و اثر بخش و امنیت فعالیت و استواری پایه های سازمانی را بوجود می آورد که اطلاعات و دانسته های هر عضو - خواه اطلاعات رسمی سازمانی یا جنبی- نیز متناسب رده و مسئولیت سازمانی و آنها تازه در دایره نیازها و ضرورت ها بگنجد. متأسفانه به این جانب مسئله از سوی بسیاری از مبارزان ارج و بهای لازم و پسندیده داده نمی شود. برخی سنن نادرست روحیه ویژه ای به ارث گذاشته است و آن این که در "عالم دوستی و

## از گذشته پند بگیریم...

بقیه از صفحه ۴  
است که میتوانند خواستهای مشترک سیاسی - اجتماعی طبقات و گروههای اجتماعی مختلف ملی و دمکراتیک را در بر بگیرد.

جبهه واحد از ائتلاف داوطلبانه احزاب و سازمان های انقلابی تشکیل می شود، که استقلال سیاسی و سازمانی و ایدئولوژیک خود را حفظ می کنند. اما، آگاهانه و صادقانه راه تجمع نیروهای خود را در مبارزه مشترک برای تحقق کارپایه ملی و دمکراتیک در پیش می گیرند. در این شرایط اختلاطات کنار گذاشته میشود و اهمیت ثانوی کسب می کند. مشاجره قلمی پیرامون مسائل مورد اختلاف، آنها در گذشته، فقط میتواند مانع پیشروی ما باشد و به آتش نفاق افروخته شده از سوی امپریالیسم و ارتجاع دامن بزند. تنها در چارچوب جبهه واحد است که نیروها میتوانند از مواضع یکدیگر بهتر آگاه شوند و اختلاطات را به آسانی مرتفع سازند.

اگر درست است که رژیم اویکسو و امپریالیسم و عمال آن در کوسوت اپوزیسیون ضد خلقی از دیگر سو، می کوشند از ایجاد نفاق و تفرقه در میان نیروهای انقلابی بسود خود بهره گیرند، اگر درست است که آنها از تمام وسائل برای خارج کردن این نیروی عظیم بالقوه از عرصه سیاسی و متلاشی ساختن آن استفاده می کنند، در اینصورت طبیعی است که ما باید از هر آنچه موجب نفاق و پراکندگی است، بیهیز جوییم. حزب توده ایران بعنوان با سابقه ترین سازمان سیاسی و با بهره گیری از تجربیات گذشته، در این راه پیش می رود. متأسفانه در باره اکثر نیروهای انقلابی دیگر چنین قضاوتی نمیتوان کرد. نظری حتی گذرا به صفحات نشریات رژیم و اپوزیسیون حقیقت تلخی را عیان می سازد، از سویی لبه تیز حملات رژیم و اپوزیسیون ضد خلقی منوجه نیروهای انقلابی است از سوی دیگر، نیروهای انقلابی در ارگانهای مربوطه

، یکدیگر را به باد تهمت و افترا می گیرند. کم بهادان به توان و در مواردی حتی نفی موجودیت این یا آن بخش از نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی، انحصارطلبی، خودمحور بینی و غرور سازمانی از جمله بیماری های مزمن رایج میان چریکان های انقلابی است. باید هشدار داد که هیچ سازمانی نمیتواند با لگد مال کردن اعتبار دیگران، اعتبار خود را بالا ببرد، کما اینکه نفی یک حزب یا سازمان چالافتاده و برخاسته از بطن جامعه و خود را چانشین آن اعلام کردن نیز، چنانکه تجربه تاریخی بارها و بارها نشان داده، چیز شکست سرانجامی ندارد.

کشور ما هستن حوادث است. وقت می گذرد. باید به دوران تفرقه و نفاق در صفوف نیروهای مترقی و انقلابی پایان داد. این پدیده چنانکه گفتیم از توطئه های ارتجاع داخلی و امپریالیسم و سرسیردگان آن نشئت می گیرد. برای رسیدن به هدف عمده، یعنی ایجاد جبهه واحد میتوان کار را از سازماندهی اقدامات مشخص در چارچوب وحدت عمل نیروها نیز آغاز کرد. زمینه های انکار ناپذیری در مورد وحدت عمل وجود دارد که از آن جمله است مبارزه برای پایان دادن به جنگ خانمان برانداز. پیکار در راه نجات جان زندانیان سیاسی. اینها شعارهای مشخصی است که میتواند توده های وسیع جامعه را گرد آورند. وحدت عمل در این زمینه ها، که به معنی اتحاد در جبهه واحد نیست، میتواند پایه مطمئن برای ادامه مذاکرات در جهت تشکیل جبهه متحد با برنامه مبسوط باشد.

نباید از نظر دور داشت، که نظر سازمانهای مترقی و انقلابی در موارد عیدیه و از جمله در طرح شعارهای روز برای نیل به هدف مشترک یکسان نیست. به همین جهت مبارزات مردم نیز ناچار در جهات مختلف سیر می کنند. و این حال است که نیروهای انقلابی می توانند در کلیه این موارد به نتیجه واحدی برسند.

آجری برای ساختمان ستاد نیروهای آزادیبخش خلق و سنگفرشی در راه سعادت و بهروزی زحمتکشان، تلقی کند. متانت برخورد و برداشت و سنجیدگی را به خصلت بارز شخصیتی خویش بدل سازد: اول فکر بعد سخن. تجربه نشان داده است که رازداری و سنجیده گویی کلید خوبی برای حفظ اسرار است. هر چه محدود آگاهی افراد از فعالیت یا موضوعی کمتر باشد بهمان نسبت پاسداری از آن راز خواه در شرایط عادی فعالیت و خواه در شرایط دشوار آسان تر است. در همان حال امنیت کار سازمانی را هم تقویت می کند. در پایان یکبار دیگر شایان تاکید است که اصل عدم تمرکز سازمانی به معنای شکل گیری هسته های مستقل است. هسته حزبی یا هیچیک از هسته دیگر پیوندی ندارد. بدیگر سخن حتی از حضور وجود هسته های دیگر هم خبری ندارد و - بخاطر حفظ امنیت فعالیت هسته - نمی خواهد داشته باشد. همچنین در درون هسته حزبی نه تنها پیوند ما زنجیری، بلکه اطلاعات هم زنجیری است.

اگر این اصول بدقت بکار بسته شود، ضربه دشمن در حلقه اول یا دوم در هم خواهد شکست.

فرد انقلابی با یاری جوی از غنای معنوی و دیدگاه تاریخی خود باید اهمیت هر راز حزبی را، بعنوان

## از "مرگ بر آمریکا" تا "سیرالی الله"!

فی الواقع توبه گری مرگ است و ترک عادت موجب مرض است آقای نویسنده یکبارہ شرم و حیا را کنار می گذارد و چشم ها را می بندد و قلم را بر صفحه کاغذ می دواند:

"واقعه خونین دانشگاه تهران در ۲۱ سال پیش، منادی این نداشت: دانشگاه و دانشجو تا استقرار کامل فرهنگ اسلام و تا رسیدن به اهداف الهی خود و محوراراستی ها و عوجاج ها و جلوگیری از تمایل به چپ و راست، باید ایستاده و مقاوم بوده و با تمام وجود در برابر سلطه فرهنگی غرب و شرق بایستد. دانشگاه باید استقلال خویش را بر اساس فرهنگ غنی اسلامی حفظ کند، با تمامی جان از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی پاسداری کند!"

می بینید؟ رو که نیست، سنگ پای قزوین است! از یکی پرسیدند گریه تخم می گذارد یا بچه می زاید؟ گفت: از این دم بریده هر چه بگویی برمی آید! از گریه های بقول حافظ و عبید - "عابد و زاهد و مسلمان" جمهوری اسلامی هم هر چه بگویی برمی آید. اینها که معتقدند دروغ و گودشمن خداست، زل می زنند توی چشمتان و صدها دروغ تحویلتان می دهند. باز جای شکرش باقی است که صاف و پوست کنده نگفتند که اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۶ آذر سال ۲۲ به رژیم شاه این بود که چرا دخترها و پسرها را از هم جدا نمی کنید و وسطکلاس درس دیوار نمی کشید. چرا برای ما درس "معارف اسلامی" نمی گذارید و اصلا چرا نماز جمعه را در دانشگاه تهران برپا نمی کنید؟! از کجا می دانید؟ این موجوداتی که ما می شناسیم، شاید سال دیگر برداشتنند همین حرف ها را هم نوشتند!

اما میدانید امسال چه شده که به یاد شهدای ۱۶ آذر افتاده اند؟ میان "لیبرال" های وزارت علوم از یک طرف و "حزب الهی" های ستاد انقلاب فرهنگی و انجمن های اسلامی از طرف دیگر، جنگ قدرت شدیدی در گرفته است و نویسنده کیهان به این وسیله کوشیده چیه حزب الهی ها را تقویت کند! مقصود تویی کعبه و پتخانه بهانه!

حتما شما تعجب می کنید اگر بدانید روزنامه کیهان (۱۵ آذر ۶۲) از شهدای ۱۶ آذر سال ۲۲ دانشگاه تهران یاد کرده است. و خواهید گفت این عناصر انحصار طلب و قشری که حتی وقایع پنج شش سال اخیر را نه تنها تحریف، بلکه جعل و قلب می کنند، صد البته در نقل واقعه ۲۱ سال پیش با دست بازتری این کار را خواهند کرد و مثلا خواهند گفت این سه دانشجو به خاطر پیاده کردن "اسلام فقهانی" و برپایی جمهوری اسلامی مبارزه کردند و شهید شدند! اما عجله نکنید. نویسنده گرچه اصلا به روی مبارک خود نمی آورد که بزرگ نیا و شریعت رضوی توده ای بودند و قندچی مصدقی بود، اما به مصداق "در دیزی باز است، حیای گریه کجا رفته" ادعا هم نمی کند که هر سه دانشجو "حزب الهی" بودند. می نویسد:

"روزشانزدهم آذر سال ۲۲ هنگام قهقهه سرایی رژیم ستماهی، که نیکسون آمریکایی قصد داشت خاک مقدس کشورمان را به لوٹ و جود ننگین خود بیالاید، دانشگاه پیشکام شد که اولین خروش را برآورد تا ایران را یکبارچه فریاد کند. در ایدروز... سه بار همدل، از دل دانشگاه دهان گشودند و فریاد "مرگ بر آمریکا" را سردادند."

تا اینجا بد نیست. اما در قضاوت عجله نباید کرد. مرکب قلم آقای نویسنده کم کم سکندری می خورد و سرسم می رود:

"خون شهیدان واقعه ۱۶ آذر سال ۲۲ دانشگاه تهران، خطی ممتد بر صفحات تقویم سیاسی دانشجویی است که همواره پررنگ تر شده و با خون شهیدان دانشگاه در سالهای بعد، سالهای انقلاب، انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی آمیخته است. این راه نشان می دهد رسالت دانشجویان و دانشکامیان را در مقابله با ظلم و استکبارچه در بعد سیاسی و چه بعد فرهنگی و نظامی. این راه بی هیچ پیچ و خم، هادی و راهبر دانشگاه در جاده و صراط مستقیم سیر الی الله است."

تا اینجا را هم میشود به روی خود نیاورد و به مصداق "انشاء الله گریه است" گفت که زیاد بد نیست. اما دنباله مطلب را که میخوانید می بینید

## خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

### آزمایای رهبری

- موسوی اردبیلی، رییس دیوان عالی کشور، معمولاً با اتومبیل بنز ۲۸۰ سرمه ای رنگی در شهر رفت و آمد می کند. اتومبیل وی بطور فابریک ضد گلوله و مجهز به نارنجک انداز، میخ پاش و روغن ریز است. از این نوع اتومبیل ها فقط گانگستر ها و قاچاقچیان بین المللی استفاده می کنند.

- آیت الله صانعی، دادستان کل کشور نیز، همه روزه در پایان وقت اداری با یک بنز ضد گلوله برای استراحت در منزل به قم نزول اجلا می فرمایند. هنگام رفت و آمد طبق معمول سه دستگاہ بنز ضد گلوله وی را اسکورت می کنند.

- یکی از ویلاهای لاجوردی، سرمایه دار معروف در شهرستان نور که به نام "مستضعفان" صادره شده است در اختیار سید حسین خینی نوه رهبرج. ا. است. او هر هفته با کادیلک مشکی رنگ خود به ویلا ی آقای لاجوردی تشریف فرما میشود.

### سرقتهای مسلحانه

در خیابان ویلا، نزدیک مقر سپاه پاسداران که شبها با نورافکن روشن است، دونفر مأمور مسلح جلوی اتومبیلی را گرفتند و همراه راننده - که ظاهراً به او مظنون شده بودند- برای بازرسی وارد خانه او شدند. همسر و خدمتکار جوانش را زندانی کردند، سپس جواهرات و لوازم قیمتی را برداشته و صاحب خانه را مجبور کردند با اتومبیل خودش آنها را به محل معینی برساند. ساعتی بعد صاحب خانه پیاده برگشت. جریان را به کلانتری ها، کمیته و سپاه اطلاع داد. اما مطابق معمول دستش به جایی نرسید. سرقتهای مسلحانه پشت در تهران رواج دارد و اغلب سارقین مسلح لباس مأموران کمیته و سپاه را بر تن دارند.

### نماز جمعه اجباری

رفتگران شهرداری که سابق بر این روزهای جمعه تعطیل بودند، اخیراً موظف شده اند که در نماز جمعه شرکت کنند. در غیر اینصورت تهدید به اخراج گردیده اند.

### تخلیه خانه ها

سرمایه داران بزرگ بازگشته اند و از جمله واحدهای بزرگ آپارتمانی را پس می گیرند. مأموران دولتی به ساکنان این آپارتمان ها فشار آورده اند که هر چه زودتر خانه ها را تخلیه کرده و به "صاحبان" آنها واگذار کنند. ساکنان یک مجتمع بزرگ در خیابان وزرا که زیر بار تخلیه نرفتند، مأموران اثنایه آنها را به خیابان ریختند. همچنین به ساکنان دو مجتمع دیگر واقع در نزدیکی میدان ونک و تقاطع خیابان مصدق و طالقانی اخطار شده که اگر خانه ها را تخلیه نکنند، مأموران دولتی وارد عمل خواهند شد.



## شبها کمپهن من ایران

اینجا  
فواره های جوشش خون است  
از سینه های تازه دریده  
در خاک غم گرفته کردستان  
مارش عزاست  
اهنگ اشای میهن من ، ایران!

شبها، که ماه سپید است  
شبها، که باد زوزه کشان  
بابوی خون و باروت، می چرخد  
شبها، که مادران  
لالایی شبانه خود را  
از یاد میبرند،  
و بر حجله جوانان  
شبون کشان به خاک می افتند  
و نجارها بجای گهواره  
تابوت می فروشند  
عطارها  
کافور  
و بزازها کفن.  
آنکاه،  
مارش بزرگ کشتگان را بنگرا!  
فرمانده ارهبر!  
با سینه درید.  
و با تفنگ بازگونه  
در پنجه هایشان

شبها، که ماه سپید است  
با استخوان انسان  
بر طبل جنگ بکوبید!  
مارش بزرگ مرگ تماشایی است  
زیرا که رهبران  
سیری نمی شناسند.

آبان ۶۳  
ع - پایا

با بوی نفت و خون  
آغشته است.  
جنگ است!

شبها، که ماه سپید است و رنگ به رخسار ندارد  
شلیک قهقهه مرگ است  
هنگام کار جوخه آتش،  
در صبحگاه اعدام.  
بازار گرم گورکنان است  
و کسب و کار مرگ فروشان  
آنجا، جزیره مجنون است



شبها، که ماه رنگ به رخسار ندارد  
شبها، که ماه سپید است  
شبها، که بوی خون و لاشه انسان  
تا ماه میرسد  
شبها، که باد میوزد و روح مردگان  
بر بامهای مه زده میرقصند  
شبها که زوزه گرگ است و سوز سرد  
در دشتهای سوخته - آنجا که زندگی را  
کشتار کرده اند  
رستاخیر آغاز میشود:

از گورهای بی نشانه بپاخاسته، می آیند  
با سینه دریده  
و با دهان خونین  
با بازوان بریده  
و بی پا.

در رودخانه ها  
خون است و پاره تن سربازان  
در جلگه ها،  
دستان کشته هاست که میروید  
در آبها،  
اجساد یاد کرده انسان شناور است  
جنگ است!  
شیپورها، جنون را  
فریاد می زنند :  
با استخوان انسان  
بر طبل جنگ بکوبید!  
با خون آدمی  
این آسیاب مرگ بگردانید  
با هیله تن انسان  
زرادخانه ها را  
همچون ثنور، گرم نگهدارید!  
زیرا که رهبران  
سیری نمی شناسند  
اینجا  
"سهم امام"

زندانیان سیاسی و سندیکایی را بطور سیستماتیک  
تحت شکنجه های وحشیانه قرار می دهند.

فدراسیون سندیکایی جهانی و کمیسیون ارتباط  
سندیکایی ایران، سندیکاها را همه کشورها را فرا  
می خوانند که برای خاتمه دادن به اختناق در ایران  
بکوشند و همبستگی کامل خود را با مبارزه  
زحمتکشان و خلق ایران، و نیز دفاع از آزادی های  
دمکراتیک و حقوق بشر اعلام دارند و برای پایان  
دادن به جنگ از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

نباید به نیروهای سیاه ارتجاع امکان داد که با  
توطئه های خود استبداد سیاه را به ایران تحمیل  
کنند.

دبیر فدراسیون سندیکایی جهانی  
کمیسیون ارتباط سندیکایی ایران

میگیرد و شرایط مساعدی برای نفوذ فزاینده  
شرکتهای مافوق ملی فراهم شده است.

سطح زندگی زحمتکشان کشور پائین آمده و بینای  
بطرز خطرناکی رو به فزونی است. پیش نویس قانون  
کار در جهت منافع نیروهای ارتجاعی تنظیم شده  
است. بسیاری از اتحادیه ها و سندیکاها کارگری  
از طرف مقامات جمهوری اسلامی گستاخانه منحل  
شده اند.

در چنین وضعی زحمتکشان ایران برای اعتراض به  
وضعیت موجود و دفاع از حقوق صنفی و سیاسی خود در  
واحدهای مختلف صنعتی و موسسات دست به اعتصاب  
زده اند. اعتصاب اخیر ده هزار کارگر ذوب آهن  
نمونه بارز مبارزه زحمتکشان ایران است.

در برابر اینگونه اعتراضها و تلاشهای پیکیر،  
محافل حاکمه ایران دامنه فشار را گسترش داده و

## فراخوان برای همبستگی...

بقیه از صفحه ۱

بدست آمده طی سالها مبارزه از آنها سلب شده  
است.

بسیاری از دستاوردهای انقلاب مردمی و  
ضدسلطنتی و ضد امپریالیستی ایران توسط محافل  
حاکمه کنونی ایران نابود شده است. لایحه  
اصلاحات ارضی رد شده و زمینهای تقسیم شده میان  
دهقانان مجدداً به مالکان و زمینداران بزرگ  
واگذار میشود. کارخانه ها و موسسات ملی شده  
تدریجاً در اختیار سرمایه داران فراری قرار

## چرا ایالات متحده آمریکا به ژنو آمد؟

هفتم و هشتم ژانویه گفتگوهای تازه میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا درباره جنگ افزارهای هسته‌ای و کیهانی در ژنو برگزار شد. برخی از مفسران این واقعیت را به مثابه روزنه‌نوری در پایان یک تونل تاریک در روند اوضاع جهانی ارزیابی کردند. آیا واقعا امیدی به تغییر مشی جنگ طلبانه و ماجراجویانه آمریکا وجود دارد؟

برای دادن پاسخ به این پرسش باید پروسه‌های سیاسی در واشنگتن را طی دوره اخیر مورد بررسی قرارداد.

آشکارترین گرایش‌ها در سیاست آمریکا عبارتست از چرخش پیشتر به راست، تشدید کمونیسم ستیزی، چپ‌گرایی پسنوی میلیتاریسم، تجاوزگری و ماجراجویی هسته‌ای.

طی آخرین انتخابات در آمریکا گروه‌های دست راستی محافظه کار که تمایل عیان به عظمت طلبی و تکیه بر نیروهای نظامی دارند مواضع خود را بازم مستحکمتر کردند. این هم از نقطه نظر تحولات داخلی آمریکا و هم از دیدگاه تاثیر آن بر سیاست خارجی و موضعگیری مشخص ایالات متحده در مورد مسائل بین المللی اهمیت فوق العاده دارد.

در سالهای هشتاد میلیمتاریسم به سیاست، پراتیک، ایدئولوژی و مبنای استراتژی مداخله جویانه آمریکا تبدیل شد. نظامیگری در اعماق روپنای اجتماعی و مکانیسم دولتی نفوذ کرد. گسترش میلیتاریسم بصورت کنونی تا بحال در ایالات متحده آمریکا دیده نشده بوده است و حاملان آن تنها کمپلکس نظامی - صنعتی و فرماندهان نظامی نیستند. علاوه بر آنها حزب حاکم، روشنفکران صاحب نفوذ و اقشار قابل ملاحظه‌ای از "طبقه متوسط" نیز گرفتار این "پیماری" شده‌اند. حاکمیت نیروهای افراطی راست، پایگاه ضدیت با سوسیالیسم، میلیتاریسم و تجاوزگری را در آمریکا تقویت کرد و موجب تعمیق و تشدید کمی و کیفی مسابقه تسلیحاتی شد.

پیروزی نیروهای راست افراطی پس از دوره دراز مدت مشی رویارویی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و تدارک جنگ هسته‌ای و "جنگ ستارگان" بدست آمد. این امر معنای خود را دارد.

مشی ایالات متحده آمریکا در آینده نیز تابع رشد نقش میلیتاریسم در سیاست، برنامه‌های متعدد نظامی، ایجاد سیستم‌های جدید تسلیحاتی و مدرنیزه کردن ماشین جنگی خواهد بود. سیاست آمریکا در جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی بمنظور بدست آوردن برتری نظامی بر اتحاد شوروی ادامه خواهد یافت. آمریکا استراتژی خود را در مورد رویارویی مستقیم

ناتو با پیمان ورشو تهیه کرده که برپایه تضعیف اقتصادی کشورهای سوسیالیستی از طریق تحمیل هزینه‌های سنگین نظامی به آنها پناشده است.

اما همراه با تشدید جبهه‌گیری آمریکا علیه سوسیالیسم، سیاستمداران واقع‌بین درک می‌کنند که برای ایالات متحده ممکن نیست که بتواند مسئله را بر مبنای برتری جویی نظامی حل کند. ادامه این مشی ناگزیر وضع سیاسی و نظامی را نامتعادل می‌کند و میتواند به منافع آمریکا لطمه بزند. از این گذشته رشد عدم تناسب میان هزینه‌های ایجاد این قدرت و امکانات محدود استفاده از آن برای حل مسائل سیاسی و اقتصادی پیدایش مسائل غیر قابل حلی را موجب خواهد شد. نباید کسر بودجه، غول آس، احتمال رکود اقتصادی و افزایش تورم و مشکلات موجود در مقابل کاهش بازم بیشتر هزینه‌های اجتماعی را از نظر دور داشت.

همه اینها بدون تردید تضاد درونی محافظ حاکمه را در مورد سیاست خارجی و نظامی تشدید خواهد کرد. گسترش بعدی جنبش توده‌ای ضد جنگ در جهان سرمایه‌داری و در خود ایالات متحده آمریکا نیز بر محافظ حاکمه تاثیر خواهد گذاشت.

تصادفی نبود که طی مبارزه انتخاباتی اخیر برخی از رهبران حزب جمهوریخواه محتاطانه مسئله گفتگو با اتحاد شوروی پیرامون جنگ افزارهای استراتژیکی را در سخنرانی‌های خود مطرح ساختند. علت امر چه بود؟ آیا واقعا آنان به ارزیابی تازه‌ای از مناسبات بین المللی پرداخته‌اند و یا صحبت بر سر گامهای تاکتیکی موقت دستگاه اداری آمریکا است که گذرا بودن، دوپهلو بودن و دو مفهوم بودن آنها را نباید نادیده گرفت. تغییر لحن واشنگتن بیشتر حاصل حساسگری دقیق است:

نخست اینکه همه خوب می‌فهمیدند که نه تهدیدات هسته‌ای، نه "جنگ صلیبی"، نه دخالت در لبنان، نه تجاوز به گرنادا و یا توطئه علیه نیکاراگوئه منجر به بالا بردن اعتبار بین المللی آمریکا نشد. برعکس ترس مردم در نقاط مختلف جهان بیشتر شده و همه بی‌پرده‌اند که کدام کشور صلح بین المللی را تهدید می‌کند. مشکلاتی هم در مناسبات با متحدان که از جنگ طلبی آمریکا بیم دارند پیدا شده است.

دوم آنکه واشنگتن تصور می‌کند که دیگر آن موقعیتی را فراهم کرده است که بتواند با تکیه بر آن از موضع قدرت صحبت کند و پان‌دول برنامه‌های نظامی را چنان به حرکت در آورده که تا اندازه زیادی به او اجازه دیکته کردن شرایط را می‌دهد. سوم آنکه ریکان کلمه صلح را با این هدف حساسگرانه مورد استفاده قرار داده است که بتواند آن بخش از رای دهندگان آمریکایی را که از سیاست جنگ طلبی او وحشت زده اند پسوی خود چلب کند. اما این تغییر لحن واشنگتن در اصل ماهیت روند

سیاسی در کشور که استفاده از اهرم‌های قدرت توسط "محافظه کاران نوین" بسود خود باشد تحولی ایجاد نمی‌کند. مشی استراتژیکی نیروهای افراطی راست در نتیجه انتخابات مشوق نیرومندی برای ادامه هدفمند خود بدست آورده است.

ولی در واشنگتن نمی‌توانند فشار تمام ان عواملی را که در بالا پرشمرديم در نظر نگیرند. بدین جهت نخواهند توانست مانند گذشته بصورت آشکار مشی فشار علیه صلح و سوسیالیسم، تجاوز علیه جنبش‌های رهایی بخش ملی و تدارک آشکار جنگ هسته‌ای را زیر هر نامی که باشد دنبال کنند.

یک رشته عوامل عینی وجود دارد که تابع اراده رییس جمهور آمریکان نیست. این عوامل امکانات واشنگتن را محدود می‌کند و دیربیا زود او را مجبور می‌سازد که به راه سیاست خارجی معقول و بحساب آوردن تغییرات تاریخی انجام شده در جهان طی دهه‌های اخیر بازگردد.

●●●●● کمیته دفاع از انقلاب

۹- محاکمات باید در شرایط علنی و قانونی برگزار شود.

۱۰- حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر باید تامین شود.

۱۱- به هیئت‌های ملی و بین المللی مسئول باید اجازه بازدید از زندان‌ها داده شود.

در زمینه حقوق زیستی

۱- تامین غذای کافی و بهداشت درمان،

۲- تامین جای کافی و حق هواخوری،

۳- تامین ملاقات حضوری و هفتگی،

۴- تامین نشریات و کتاب‌های مورد درخواست زندانیان،

۵- تامین حق ادامه تحصیل و مکاتبه.

در پایان قطعنامه پیرامون خواسته‌های پیشگفته خاطر نشان میشود:

" اینها حقوقی هستند که برای کلیه زندانیان سیاسی از جمله زندانیان سیاسی در هندوستان، حتی تحت قوانین امپریالیسم انگلیس تامین شده است."

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

دکتر صر توسط صندوق پستی

فرانسه ۲۰۰ فرانک

ر. حسین ۱۵۰ مارک

هواداران حزب در فرانکفورت ۲۴۲ مارک

ر. ب. ف ۲۴۵ دلار

گروه فرادجهاد ۵۰۰۰ مارک

NAMEH  
MARDOM

No: 32

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

JAN. 10, 1985

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان